

يك پیروزی در مقیاس انقلاب جهانی

با وجود دشواریها و مصائب پیروزی حتما از آن خلق ما خواهد بود. امپریالیستهای آمریکا باین بخت باید کور خود را کمند کرد. پیروزی عظیم خلق در لور جنوب ویتنام آنچنان ضربه بزرگی بر پیکر امپریالیسم است که بجز «تیموتو» نمیتوان گفته در زمان پس از جنگ جهانی دوم پیروزی کبیر انقلاب اکثر خلق چین بزرگترین پیروزی خلقها در قرن بیستم است.

این پیروزی برخلاف تمام تخیلات و تئوریهای واپسگرایانه و پارتیزانیست باور دیگر ثابت نمود که اگر خلق خصمانه دستها را برود و متحد رهبری سیاسی صحیح جنگ خود را با آغاز نماید میتواند بر پیروزی بزرگ امپریالیسم پیروز گردد و آزادی و استقلال خود را بکند.

پس از پیروزی در امپریالیستهای ژاپن و فرانسه و نیز در پراختیار بین خلق ویتنام موفق شد در شمال کشور خود جمهوری دموکراتیک را تیار کند و رهبری خود را در آنجا به حزب زحمتکشان ویتنام و در راه آن رفیق هوش مین برقرار سازد. با وجود اینکه کنگره فرانسه ژنرال رسال ۱۹۵۴ وجود ویتنام را باید بدو می بخشید تا انتخابات عمومی تعیین کرد. اما امپریالیسم آمریکا بود که با روی کار آوردن حکومتی ننگین بدین زمین امر جلوه گرفت. و از آن پس از هیچ کوششی علیه حکومت خلق در شمال و سرکوب جنبش در جنوب کوتاهی نکرد.

امپریالیسم آمریکا بمنظور حفظ منطقه نفوذ خود و سرکوب جنبشهای محلی ویتنام تجاوز کرد. قریب یک میلیون و دویست هزار سرباز از ارتش خود و سگهای زنجیرش در خاک ویران ویران ویران تاجهای هوائی، زمینی و دریایی بویتنام فرستاد. قریب ۷/۱ میلیون تن بصبه یعنی بیش از سه برابر بمب صرف شد در تمام طول جنگ جهانی دوم در خاک ویتنام ریخته بخشهای وسیعی از ویتنام را با خاک یکسان نمود. خاک شمال ویتنام یعنی جمهوری دموکراتیک ویتنام را بمباران کرد. بیش از یک میلیون ویتنامی را کشت و کشتار و ویتنامی دیگر را بیخانمان نمود. اما تمام این ضربات نتوانست در عزم و اراده ویتنام خللی وارد آورد. خلق ویتنام موفق شد با پیروزیهای درخشان خود یکبار آمریکا و حکومت دست نشانده را در برابر خود و آنرا را مجبور به امضا قرار داد پاریس رسال ۱۹۷۳ نماید.

اما آنچنان که اهمیت امپریالیسم حکم میکند هنوز مرکب قرار داد در خشک نشده بود که قرار داد از طرف آمریکا و حکومت دست نشانده اثر نداشت. تیموتو که در آمریکا پنج روز بعد از قرار داد پاریس گفت: «انتخابات عمومی حتی با بیطرفی و کمونیستها انجام نخواهد گرفت» و درست این نیروهای نظامی تیموتو بود که قرار داد را نقض کرد و پس از چند روز از تاریخ قرار داد در همان اوان سال ۱۹۷۳ مکرر حملات نظامی بمناطق جنوبی آزادی بخش ملی برد و محنتی موقتا بخشهایی را بدست آوردند.

آمریکا در واقع با بیرون کشیدن نیروهای نظامی خود ارتش مسلح ۱/۱ میلیون تیربارانی گذاشت. با وجود اینکه سیاست طبق قرار داد پاریس با یکا همای نظامی خود را از ویتنام جمع نماید همعزاد است. دست در اختیار رژیم سایگون قرار داد. فرماندهی نظامی خود را از ویتنام به تایلند منتقل نمود. ارتش خود را بیرون کشید ولی تمام اسلحه و مهمات را در اختیار رژیم سایگون گذاشته بر کارشناسان نظامی خود افزود. در عرض دو سال ۱۹۷۴-۷۳ قریب به ۱۰ میلیارد دلار در رژیم تئوکراتیک کرد. کاروان ۱۰ میلیارد دلار که نظامی است. در اثر کمکهای نظامی آمریکا رژیم تیموتو موفق شد که چهارمین نیروی هوایی جهان را برپا نماید.

آمریکا در طول سی سال در حالت خود در ویتنام دست بجایا بزرگی زد ولی هر روز شکست مفتضحانه تری را با خود بار میغان برد. مخارج سرسام آور آمریکا در این جنگ بالغ بر صد ها میلیارد دلار میشود. امپریالیسم آمریکا همچنین جهت تقویت موضع خود علیه خلق ویتنام، بفاک لافوس تجاوز کرد و کودتای ۱۹۷۰ خود را در کامبوج برپا انداخت.

با وجود تمام این حیل و قدر قدرتی، خلق ویتنام موفق شد بهار دیگر آمریکا و نوکران ویتنامی او را بزانود و آورد. و آنرا مجبور به تسلیم بدو بن قید و شرط نماید. با شروع حمله عمومی ارتش خود را از اوائل سال ۷۰ سر به مناطق مختلف جنوب ویتنام آزاد کرد بدو. در طول این حمله عمومی ارتش خود را با پیگیری و تندی و ارتش ووشالی بقدری زبون ترس و بود که بسیاری از مناطق بسادگی و راحتی بدو و مقاومت ارتش سایگون آزاد گردیدند. ارتش سایگون مقادیر کلانسی از اسلحه و مهمات بجای میگذاشت.

در آمیختن مبارزات توده های خلق در مناطق تحت حکومت سایگون با مبارزات جبهه آزادی بخش ملی مرکز حکومت سایگون را تسخیر نمود. پیروزی خلق در کمرین نیکسون ترانس پر آب کرد.

علت اساسی این پیروزی بقیه صفحه ۲

روزی ام آوریل نیروهای ارتش خود را موفق شد بدو پس از محاصره سایگون نیروهای دشمن را مجبور به تسلیم نمود و پیروز شد. بدو اخل سایگون وارد شوند. در سایگون نیروهای ارتش خود را با موفقیت استقبال بی سابقه مردم پایتخت قرار گرفتند. خبر این پیروزی موجبی از شادی در راهی نقاط جهان برانگیخت. فرد ای آنروز اول ماه مه روز مبارزه طبشکار گریاشاد و جشن پیروزی خلق ویتنام را آمیخت. هوش مین رهبر فقید خلق ویتنام در وصیتنامه خود چنین نوشت:

درد به فرزندان که جان تسلیم کردند و تسلیم نشدند

در فروردین ماه اسال نام نه تن دیگر از فرزندان خلق، نام رفقا: جزئی ضیا، ظریفی، بافتار، سورکی، سردی، گلآنتسری، خوشدل، کاظم، والانوار و چوینزاده بر لوح افتخار شهیدان راه آزادی و استقلال ایران افزوده شد. شاه ایران که از کودکی به جنایت و آدمکشی خو گرفته است دست از کشتار بیگناهان برنمیدارد و گاه بیگناهان بهترین فرزندان خلق را در زیر شکنجه بقتل میرساند یا با رگبار گلوله در خاک و خون می غلتاند.

شاه از مقاومت روز افزون توده های مردم در برابر سیاست قربانی کردن منافع منافع خارجی و داخلی بدو برپا بر رژیم استبدادی و امحاء حقوق و آزادیهای دموکراتیک و برابر محرومیت ها ساخت در عراس است و احقانه چنین مینماید که با اندام گرو و گروه از مبارزان میتوان این مقاومت را در هم شکند و توده ها را بتسلیم در برابر خود وادارد. نقش رفقای شهید نعتها پیش از دستگیری از سر سخت ترین مبارزان علیه رژیم بودند بلکه در زیر شکنجه و در خون زدن نیز زنده ماندند. آنها با تسلیم نشدن در برابر بربریت و ستم و احقانه و دشمنان شاه بودند؛ آنها نمادی وحدت همه زنده انبیا سیاسی در زیر شکنجه و بربریت شاه بودند. آنها پس از آنکه از آزادی محروم گردیدند زنده انبیا بیگانه مبارزه بدو ساختند. ساواک امید داشت با اعمال فشار و شکنجه مقاومت آنها را در هم شکند و آنها را برای استغفار و ستایش از رژیم شاه به پشت راد بیرون بکشاند. ساواک همواره کثیر خائنانی نظیر نیکخواه مولا شانی می پنداشت و می پندارد. اما آنها از قتل و وحشیانه و غیر انسانی زنده انبیا نهراسیدند و با مقاومت و سرسختی در برابر آنها ایستادند. مقاومت آنها در خون زدن نعتها بفرزندان انبیا سیاسی الهام میبخشد. بلکه مبارزان خارج از زندان، حتی مبارزان در دست رانین تگ و پویا و امید داشت. کینه حیوانی شاه نسبت بآنها از سر سختی آنها در مبارزه از مقاومت قهرمانانه آنها برمیخیزد. شاه بخون این فرزندان خلق تشنه بود و سرانجام تشنگی خود را با ریختن خون پاک آنان فروشانند. ننگ و نفرت بر این اهریمن سیاه دل خون آشام!

توجه کنید که تارن زنده انبیا بیگانه که سالها بود در زندان بسر میبردند بهیچ عنوانی حتی برای رژیم آدمکش شاه نیز امکان پذیر نبود. در خیام ساواک بشور نشسته تا برای عمل سیاه جنایتکارانه خود در زندان افکار عمومی ایران و جهان محلی بتراشند. آنها بدو روغ مدعی شدند که این مبارزان در حین انتقال از زندان بفرزندان دیگر قصد فرار داشتند و در برابر تنگنا خود مقاومت بخرج داد و میزد و خورد و پرتاختند؛ نگهبانان نیز آنها را بگلوله بستند. اما رژیم شاه در برابر مردم جهان آنگاه در روختن خون و کشتار مردم مشهورت دارد و وظیفه سالهای اخیر آنقدر جوانان بیگانه را بچوبه های اعدا استقامت است که هیچ صحنه آفرینی نمیتواند از آن مرد در مشرب سازد. میاد و راهیست آدمکشی شاه تیرید و ایچا کند. شاید هم این صحنه سازی بخاطر آنست که قتل در زیر شکنجه این رژیم در گان را بپنهان دارند. رژیم شاه با راهها جوانان بیگانه را در زیر شکنجه های وحشیانه بقتل رسانید و سپس برای پوشانیدن جنایت خود خبر اعدا آنها را منتشر ساخت. همینکه مقامات امنیتی حاضر نشدند اجساد مقتولین را به خانواده های آنها تسلیم کنند این سوءظن را بیشتر بر می انگیزد.

شاه در تاریخ جنایات خود نشان داد که استکف از انبیا سیاسی را بپشتا بگریزان مینگرد و هر زمان که اراد مکرر میتواند تنی چند از آنان را بقتل برساند. از این رو قاع از زندان انبیا سیاسی از هر طرفی کسکین باشد، وظیفه بزرگ جنبش دانشجویی در خارج از کشور بر او کف و راستی است. متاسفانه روزی نیست ها با فعالیت خرابکارانه ای خود در غرب آنچنان وضع کند که راسیون را در هم بختاند که امکان هرگونه عمل جدی از آن سلب شده است.

در ایران موج مبارزه همواره امنه و سیمتری بخود میگرد. رژیم شاه سیاست داخلی و خارجی و با شیوه های ارتجاعی و فاشیستی که در برخورد بتوده های مردم بکار میبرد نمیتواند مبارزه توده های مردم را برپا نگذرد. در برابر این موج مبارزه رژیم خود را ضعیف مینماید و ناگزیر به آدامکشی دست میزند تا شاید توده های مردم را در رهرا براند از و جلوی موج مبارزه را بگیرد. شاه میترسد چون مینماید هر روز که میگردد رژیم او سه پرتگانه نیستی نزد بیکر میشود. شاه میترسد چون مینماید که حلقه های ضعیف زنجیر امپریالیسم یکی پس از دیگری در برابر پیروزی عظیم خلقها بشکند شاه میترسد چون سر نوشت تیو و لون نول و دیگران مانند آئینها نیست که سر نوشت او را معکوس میسازد. شاه میترسد و لذت میکوشد خلقهای محبت ما را با بگلوله بستن کارگران، با سرکوب تظاهرات دانشجویان و با کشتن زنده انبیا سیاسی بترساند. اما نیروی خلق را با هیچ سلاحی از همه کمتر با سلاح ارعاب نمیتوان در هم شکست. نیروی خلق سرچشمه ای لا یزال است. در مبارزه امروز گروهی از ایادی رعیانند، فرد اگر و بهای دیگر جای آنرا میگیرند و نیز در تاریخ پیروزی نهایی از امصیاید. جزئی و بارانش بیکر رعیان مانعند تا ماتم تصور آنها ستاوت و تسلیم پانزیری آنها الهام بخش ادمه دهندگان مبارزه است.

کشتار نا جوانان در فروردین ماه موجب از خشم و اعتراض در سراسر جهان برانگیخت. سازمانهای بین المللی بسیاری از محافل دموکرات و سازمانهای دفاع از زندان انبیا سیاسی طی نامه های خود این جنایت فجیع شاه را محکوم کردند. بار دیگر خبر جنایت شاه در جهان طنین افکند و بار دیگر افکار عمومی جهان شاه را محکوم کرد.

شهیدان فروردین مانند دیگر فرزندان خلق در بارگاه استبداد برزاند و نیامدند و ایستاد سر دادند همان تسلیم کردند ولی تسلیم نشدند خلقهای ایران نام فرزندان خود را، فرزندان خود را، فرزندان خود را که بخاطر آزادی و استقلال مین و رفاه و سعادت توده های محروم و زحمتکش در میدان نبرد برخاک افتادند هرگز از یاد نخواهند برد. گرامی باد خاطره شهیدان فروردین! نام فرزندان خلق درخشان و جاوید است!

پیروزی خلق کامبوج چه میاموزد

خلق کامبوج پس از پنج سال بیگانه گریزانه و بیگانه مبارزه ای قاطع و بی تزلزل مین خود را از یوغ امپریالیسم خارجی و نوکران پیروزی در اخلی آن آزاد ساخت. این آزادی و سهولت بدست نیامد بهیچای خون دها هزار فرزند قهرمان خلق تمام شد اما خلق کامبوج اکنون میتوا با برخورداری کامل از آزادی و استقلال سر نوشت خود را بدست گیرد و برای خوش جامعی نوین، جامعه ای آباد و آزاد و شکران سازد. خلق های جهان و از آن جمله خلق ایران با این پیروزی با شادمانی فراوان مینگردند زیرا آینده خود را در آن می بینند.

در ارتباط با پیروزی خلق کامبوج توجه به مسئله ضروری است بدو مسئله فرزند کشتن بر آنها چشم فرو بست یکی موضع گیری اتحاد شوروی در قبال جبهه متحد ملی و دولت و ارتش انقلابی کامبوج است که جلوه های آزما هیت امپریالیستی ضد خلقی و ضد انقلابی آنست که بیکر شکست جنگ توده های مبارزه مسلحانه که بار دیگر صحت و قوت خود را با اثبات رسانید.

۱- در مورد ریزش رژیم نیست های ایرانی که در دفاع از اربابان شوروی خود ناتوان انبیا برای پوشانیدن واقعیت شوروی ناگزیر بگفته اند نوشته بگران توسل میجویند. این شیوه نامعقولی است ناشی از ضعف و بیچارگی است ولی راه دیگری برای آنها باقی نمانده است. شگفتانگیزتر اینکه گفته اند نوشته بگران فقط تا آنجا بود و آن مواردی قابل استناد است بقیه صفحه ۲

ننگ و نفرت بر رژیم فاشیست و آدمکش شاه!

درباره حوادث اخیر لبنان

حوادثی که در راه گذشتند بیروت رخ داد و منجر به شهادت
دو همتا از انقلابیون فلسطین گردید ، به چه وجه تصادفی نبود .
بعلت وجود سازمانهای آزاد بیخشن جنبش فلسطین در لبنان و نیروی
های ارتجاعی عرب و حامیان نشان یعنی آمریکا آنها ، روسها با اینها
و اسرائیلیها همواره توجه ویژه‌ای به لبنان برای سرکوبی جنبش
فلسطین داشته و دارند .

گماردن عناصر شناخته شده های مانند گودلی (رئیس سابق
سازمان جاسوسی آمریکا در لائوس) به سمت سفیر آمریکا در فلسطین و
کارشناس مشهور خاورمیانه به سمت سفیر کبیر اتحاد شوروی در لبنان
نیز هدفی جز سرکوب و مهار کردن جنبش آزاد بیخشن فلسطین از طرف
دو ابرقدرت (البته هم یک بشیوه خود) ندارد .

وزیر ایران نیز به سبب خود با همکاری پدید ریخت دولت ارتجاعی
لبنان برخلاف هیاهوی عوام فریبانه اثر رد فاع مردم فلسطین بطور
مستقیم عملی در سرکوب جنبش فلسطین شرکت دارد و نقش واسطه
و دلال بنفع امپریالیسم آمریکا را ایفا می نماید . رژیم شاه با بسط
شبهه سازمان امنیت در بیروت بطور عمد هدفهای زیر را دنبال میکند
۱- تقویت و شناختن مبارزین ایرانی که کمک جنبش خلق
فلسطین می نمایند .

۲- تحقیق و جاسوسی درباره جنبش فلسطین و غیره -
رساندن به امپریالیسم آمریکا .

۳- برآمدن اختن یک پایگاه ارتجاعی برای سرکوب مستقیم
جنبش فلسطین .

در مورد نکته سوم متحد و دینی نیز موفق بود فاست . پشتیبانی
رژیم از احزاب ارتجاعی و فاشیستی " الحرار و کتائب و سفرهای بی در
بی عناصر ارتجاعی معروف لبنانی مثل کمال شمعون - کاسم الخلیل و
بیر الجلیل به ایران و خصوصاً سردار ادبک از یادی اسلحه‌های مذکور در
حزب فاشیستی کتائب بیائنگران واقعیت است . اسلحه‌های مذکور در
حلقه اخیر فاشیست های حزب کتائب به فلسطینی ها م فاع چاه ها
و از مردم فلسطین نشان میدهد .

در مارس ۱۹۷۵ با شماره امپریالیسم آمریکا و شرکت فعلی
محمد رضا شاه کفرانی تحت عنوان همبستگی خلقهای خاورمیانه
در بیروت تشکیل میگردد . کمال شمعون ریاست این کفرانی را
بعهددهد است . تصویبات این کفرانی همبستگی از جمله چنین اند
۱- مبارزه با همه جا نبه سخت علیه مارکسیست لنینیستهای
فلسطینی .

۲- از بین بردن انقلاب در عمان باشد ت هر چه تمامتر .
۳- مبارزه علیه جمهوری تود های چین و آلبانی .

۴- مبارزه سیاسی و اقتصادی علیه جمهوری د مکرانیستک
یمن جنوبی .

۵- مبارزه با افکار مارکسیستی لنینیستی در سراسر منطقه .
بعلاوه این کفرانی همبستگی تلنگر افهائی برای وان تیور کبیر
جمهوری مستنشاند . سابق آمریکا در بیتنام جنوبی ، رئیس جمهور
کروا جنوبی ، جان کایچک (تایوان) ، سلطان قابوس و ملک فیصل
مرحوم ارسال داشته و طی آن پشتیبانی پدید ریخت خود را از مبارزه
آنها علیه کمونیسم اعلام داشت .

برگزاری چنین کفرانی امری بسیار باقی نیست در رساله های
. هنگامی که در خاورمیانه موج مبارزه علیه امپریالیسم شعله ور بود ،
نظیر این کفرانی ریکی از هدف های زینا ویلاقی لبنان (بهمد و)
تشکیل گردید و بنا برخواست آیزنهاور تصمیاتی از نوع تصمیات فوقی
اتخاذ نمود .

کارگزاران چنین کفرانیستهای امروز تحت عنوان عوام فریبانه
اختلافات مذهبی انقلابیون فلسطین را بگلوله می بندند و فریاد سر-
می دهند که مسیحیان برای فاع زمسحیت خود بجان مسلمانان افتاد
د مانند روزنامه ها و بلندگوهای ارتجاعی در ۱۹۵۵ نیز هنگامی که
خلقهای لبنان علیه ورود لبنان به میمان نظامی بنفاد مبارزین
واز ورود لبنان باین بهمان ارتجاعی جلو گرفتند بهانگ بر آوردند که
مضمون این مبارزه گویا اختلافات مذهبی است .

حملات متوالی ارتجاعی لبنان به انقلابیون فلسطین همواره
تحت عنوان اختلافات مذهبی انجام گرفته است . حلقه اخیر ارتجاعی
علیه جنبش فلسطین نیز جز این نیست . بقیه در صفحه ۲

از زوایا و صولیت به مناسبت سالروز پیروزی بر فاشیسم

قرارداد است . که بزرگترین نبرد هارا که بنا بود ی ارتش هیتلر انجام میداد
سازمان داد و رهبری کرد ، که خلق های شوروی را به قهرمانی تود های
برانگیخت . درباره استالین که در پیروسی شوروی را در آن دوران
بسیار شرنج و پیچیده رهبری کرد و نیز درباره اینکه نام او در آن زمان
برای خلق شوروی بود بگر خلق های ضد فاشیست چه شهبوی داشت
حتی گفهای هم نیامده است .

مرد شوروی ناگزیر از خود می پرسند : " این سکوت درباره
استالین چه معنی دارد ؟ " هضمید انند که هیچ ورهبری اتحاد-
شوروی در جنگ کبیر میهنی سازمان داد و رهبری نبرد های
افسانه ای ارتش سرخ که قدرت نظامی آلمان را نابود کرد و بر آن پیروز
شد ، مبارزه بیاماتیک حاد به منظور تامین صلح عادلانه پس از جنگ ،
بانام او عینا در آمیخته است . میلیونها تن از دختران و پسران خلق
شوروی در میدانهای نبرد برخاک افتادند و در حالی که نام استالین
بر لب داشتند . تصویر او منبع الهام و بر جه مقاومت ضد فاشیستی
خلقهای بسیاری بود .

استالین و حزب بلشویک که او در راس آن قرار داشت خلق
شوروی را قهرمان و سپهر پرست ، هومن میگویند و انترناسیونالیسم
با آورد ، او را با این اندیشه پرورش داد که در خطوط مقدم مبارزه
ضد فاشیستی و ضد امپریالیستی جای گیرد . در زمان جنگ و پس از آن
هیچکس نماند استالین از حق خلق ها در تعیین سرنوشت خود و از
ایدال آنها در باره مکرکسی و ترقی فاع نکرد (. . .)

بنا بر این نهنها ممکن نیست بلکه نام معقول است از جنگ میهنی
اتحاد شوروی و بطور کلی از جنگ د و م جهانی سخن به میان آورد و از نقش
استالین بادی نکرد ، و آنطور که رهبران کرملن میکنند . کسی که میگوید
استالین را از تاریخ بزداید در واقع تاریخ را منته میکند . استالین
و انقلاب اکبیر ، استالین و جنگ میهنی ، استالین و مارکسیسم لنینیسم
از هم جدا نمی ناپذیرند . (. . .)

رهبران کرملن و پیروان آنها نمیخواهند از استالین نامی بزنند
آوردند زیر نام او و کار او بطور مستتر خبیانت روزیونیستی آنها را بر کرسی
اتهامی نشاند ، زیر نام او و کار او با شوینیسم عظمت طلبانه روس
و سیاست توسعه طلبانه ای که امروز در پیش گرفته اند مغایرت دارد ،
زیر نام او و کار او شمار مبارزه برای بقیه در صفحه ۳

اصال خلق های سراسر جهان یکی از مهمترین وقایع تاریخ
در آن معاصر ، سی امین سالروز پیروزی بر فاشیسم را جشن میگیرند .
به مناسبت این سالروز در تمام جهان جشنهایی برپا خواهد شد و در
آنها از تلاشهای قهرمانانه خلق های ائتلافی ضد فاشیستی و از
بهای سنگینی یاد خواهد شد که شربت برای نجات از طاعون فاشیسم
بود اختتام . تجاوز هیتلر بزرگترین خطری بود که تاکنون در برابر آزادی
و استقلال ملتها در برابر این حق انسان که باید بر روی زمین آزاد زیست
کند و آزاد کار کند ، در برابر ورنمای تکامل مترقی جهان قرار داشته
است . از این پیروزی بر فاشیسم برای تمام بشریت و برای اهمیت تاریخی
بسیار بزرگی است . ناپدید شدن نهایی فاشیستی به خلقهای اسیر
امکان داد و باز آزادی و استقلال نائل آید ، شرایط مناسبی برای پیروزی
سوسیالیسم در ده های از کشورها برای ائتلاف جنبش آزاد بیخشن انقلابی
و ملی ، برای تکان دادن و فروریختن سیستم مستعمراتی پدید آید .

جهان ، مبارزه عظیم خلق های اتحاد شوروی و استالین را
برای درهم شکستن فاشیسم و ساعی آنرا پس از جنگ برای آنکه صلح
عادلانه برقرار گردد ، و برای آنکه جامعه مشترکی از ملت ها بر اساس
تساوی حقوق در م مد اخلعه همکاری پدید آید ، که از تهدیدات
امپریالیستی ، اعمال فشارها و ارباب میری باشد ارج گذاشته و اکنون
نیز مانند گذشته عارج میگردد .

اما آفتابان روزیونیست های سکوا این جهات در رخشان تاریخ
خلق های شوروی را پاره کرد و لوگ مال نمود هاند . اتحاد شوروی
و دیگر اتحاد شوروی سالهای جنگ میهنی ، اتحاد شوروی زمان
نیست . یک ابرقدرت امپریالیستی است که در رقابت با امپریالیسم
آمریکا از سیاستی افسارگسیخته ، تفوق طلبانه و توسعه طلبانه پیروی
میکند و روی آنست که از طریق سیمه ، توطئه و قهر سلطه خود را
بر سراسر جهان بگستراند .

برای خدمت به این سیاست و این اهدا افتخار و تاریخ دست
میرند ، حقایق مسلم انحریف میکنند ، واقعیات را میوشانند ،
و قایع انقلابی که شتر انگه ار می نمایند .

در قطعنامه م آورد سته روزیونیست ، در مقالات مطبوعات
و در تعلق های رهبران به مناسبت این واقعه و حتی گفهای هم درباره
مردی میمان نماید که در زمان جنگ در راس دولت شوروی و ارتش سرخ

رژیم شاه ، سد راه تکامل کشور

شاه بر آنست که ایران مرحله کشور در حال رشد را پشت سر گذارد . هوبه د نیای کشورهای توسعه یافته نام نهاد فاست . اما واقعیت اقتضا
کشور ما بر این حرف ها و تبلیغات شاه قلم بطلان میکند .

هر چند سال یکبار هیئت دولت در پیشگاه ملوکانه جلسهای ترتیب میدهد و برنامه
برنامه های گذر آن آهنگ رشد ایران بارقی ترسیم میشود که در جهان بینظیر باشد . بالاخره آوردن ارقام پروری کاغذ گسایهای نمیخواهد
با کرد شرف نام ایران را میتوان از آنچنان رشد و پر خور در ساخت که هر روز یک کشور های توسعه یافته جای گیرد . حالا اگر این برنامه ها از حد و حد
و ارقام پروری کاغذ فراتر نرود باکی نیست چون شاه و دولت دست نشاند فاشیست میخوانند و نصیحتها را با اقتصاد کشور محرومها سرو سامانی دهند
تهران اکنون بیست برنامه اقتصادی گشوی را کبکی در بار دست کاری شده هم عظیم تر انقلابی تروج جهان بینانتر میماند و باید همنا سد
چون گمات در رنزد او معانی دیگری دارند . همین مجله در مورد برنامه های گذشته می نویسد : " ما چند سال قبل بسیاری از برنامه ها را م برنامه
هانام گذاشتیم یعنی برنامه های که بصورت نشریات متصل با کاغذ های مرغوب و جلد ول بند بیهای قشنگی تهیه شد فاست ولی هرگز از صفحه کاغذ
بعصحنه عمل نگرا نید فاست (تکیه از ما - توقان) (سرمقاله شماره ۵۲ ، ۱۰ مورخ ۱۹ مرداد ۵۳) . همین مجله در ویرانه های پیشین را که
امروز م برنامه ها میماند با همین گمات بیهای همبستر انقلابی تر و نظائر آنها توصیف میکند . باید انتظار داشت چند سال دیگر برنامه همبستر
انقلابی تروج جهان بینانتر گشوی نیز نام م برنامه بگیرد . در واقع هم جز این نخواهد بود .

بدین ترتیب کشور ما در حرفها سرعت سوسام آوری به پیشتریتازد کشورهایی را پشت سر میگردد ارد و در دیگر کشورهای بزرگ جهان قرار
میگیرد اما در عمل و در واقعیت همچنان در عقب ماندگی درجا میزند و نتنها درجا میزند بلکه در مودر کما و روزی حتی به قهر میرود . علت
این عقب ماندگی و این رکود را باید در ماهیت رژیم ایران جست . رژیم مولود امپریالیسم ، وابسته با امپریالیسم بود افع منافع امپریالیسم . امپریا
لیسم رژیم استبدادی استنشاند فاشیست را میسرقت جامعه و منابع سیاسی رشد نیروهای مولد در کشور ما است .

رژیم شاه علی رغم سخنان و روغور بیگانه زمانه ارا آن نه میخواهد و نه میتواند ایران را از عقب ماندگی بد ر آورد و بوضع نابسامان
آن سرو سامانی بخشد . رژیم ایران برای چنین هدفی نیز آفرید نشده فاست . نقتیر آن بر عکس را نیست که ایران را همچنان در زیر یوغ امپریالیسم بنگساید
د ارد و شروتهای آن و در سترنج تود های زحمتکش آنرا بتاراج شتی غارتگر اخلی و خارجی دهد بهر گونگیغده آزاد ی را در سینه غنچه کند بهر
صدائی را که خاطر آزادی بر میخیزد با گلوله خاموش سازد .

امپریالیست ها پس از آنکه دهها سال نفت ما را به بیهای ناچیز بفار تبرد هاند ، چندی است مجبور شد هاند برای هر شکلهای بیشتری به
پردازند . اکنون تمام هوشم آنها اینست که چگونه پولهای پرداختی را از جنگها در کنند گان نفت بیرون آورند و در واقع هبه انواع حیل بیرون
آورند و میاورند .

سایمون ویزبرخزانه اری آمریکا گفت در سال ۱۹۷۴ ، کشورهای عضو او کسرو بهمرفته ۹ میلیارد دلار و اوقات نفتی ۵ میلیارد دلار درآمد
صادراتی غیر نفتی داشتند (مطابقه این در رقم اهمیت نفت را در حیات این کشورها بخوبی نشان میدهد - توقان) . از این پول ۳۵ میلیارد
دلار صرف خرید و واردات شد و ۶ میلیارد دلار بکسرو سرمایه گذاری در خارج از این کشورها کردید . از این مبلغ ۱ میلیارد دلار در آمریکا
سرمایه گذاری شد فاست ، که بترتیب ۱ میلیارد دلار صرف خرید اوراق بهاد ارد و لقی ، ۴ میلیارد دلار صرفت سپرد های بانکی و یک میلیارد دلار
همه خرید سهام اوراقی های دیگر اختصاص یافت میسند . اطلاعات خود اضا فیکند : طبیعی است در این خرج کردنها مخرج برای
بعضی از کشورهای فرقی میکند اما در نهایت امر همه پول بیانک های کشورهای صنعتی بر میگردد (اطلاعات ۲۷ بهمن ۵۳) .
بدین ترتیب تمام پولی که کشورهای او یک در سال گذشته ریافت کرد فاشیستیا بصورت خرید محصولات ، و با بصورت سرمایه گذاری
به کشورهای اروپا و آمریکا بازگشته است .

نیروهای خود را در مبارزه با رژیم شاه درهم آمیزیم !

بمناسبت
سی امین سال پیروزی بر فاشیسم



نام استالین بزرگ با آزادی بشریت از یوغ فاشیسم در آمیخته است.
جاودان باد نام استالین !

سازمان بارکسیستی-لنینیستی توفان

۸ ماهه ۱۹۴۵ در رنده فاشیسم در کنا خود برلن از پای

بر آمد .

خلق شوروی ، ارتش سرخ شوروی ، پارتیزانهای شوروی با
قلبی آکنده از کینه به دشمن فاشیست ، با دادن تلفات و قربانی -
های فراوان ، با دلیری و قهرمانی آنچنان حماسه‌ای آفریدند که
تاریخ نظیر آن را بیابد ندارد . اما آن سردار کبیری که پیکار قهرمانانه
خلق شوروی ، ارتش سرخ شوروی و پارتیزانهای شوروی را الهام
بخشید ، سازمان داد و رهنمون شد و فاشیسم را در لانه خود در
هم کوبید استالین بزرگ بود .

نام استالین در نبرد علیه فاشیسم آنچنان نیروی می آفرید
که هیچ سلاحی را در برابر آن یارای ایستادگی نبود .

درود به قهرمانان استالینگراد که بار لاوری و پایداری و
استواری ، با خون هائی که در کرانه رود ولگا نثار کردند
ضربه‌ای آنچنان کاری بر پیکر فاشیسم وارد آوردند که دیگر از آن
قد راست نگر !